

آینه

آفتاب

دولت ودور باطل مخالفان

● **علی صوفی:** مخالفان که طی دو سال اخیر حتی لحظه‌ای هم از تخریب برجام دست برنداشتند پس از خروج آمریکا از برجام، اعلام کردند که با خروج واشنگتن از توافق هسته‌ای کشور دچار آسیب خواهد شد این خود نشان از نوعی تناقض‌گویی بود. زیرا مخالفان از یک سو وجود برجام را همواره به زبان کشور می‌دانستند و از سویی نیز خروج ایالات متحده از توافق را به زیان کشور می‌دانند. بنابراین مخالفان امروز دولت و مدعیان مذاکره با آمریکا در پشت پرده، همان جریان دلواپس دیروز هستند که جلوی برجام و مذاکرات قد علم کردند و به دنبال مانع‌تراشی برای به‌هم‌زدن برجام بودند. امروز مخالفان برجام درصددند که بگویند دولت در برابر آمریکا کوتاه می‌آید و مخفیانه به دنبال مذاکره است. به فرض درستی این مهم نیز ضرورتی برای انتشار و افشای آن وجود ندارد. در واقع دیپلماسی فعال ایجاب می‌کند که مسئولان در وزارت خارجه با هماهنگی در هر شرایطی از هر فرصتی برای تنش‌زدایی و جلوگیری از وقوع بحران و آسیب به کشور اقدام شود و البته بعید به نظر می‌رسد دولت به خود اجازه دهد که کاری را برخلاف نظر رهبر معظم انقلاب انجام دهد. بنابراین انگشت اتهام را به سمت دولت گرفتن بدین مفهوم است که مخالفان وجود دارند که دلواپسان را تا این اندازه نسبت به تحقق برخی از مسائل نگران ساخته است!

کیم تان

مهندسی معکوس آمریکا
در برابر جبهه غالب مقاومت

● **سعدالله زارعی:** «طرح قرن» که اعراب به آن «صفقةالقرن» می‌گویند، ظاهری و باطنی متفاوت از یکدیگر دارد. آمریکایی‌ها مدعی هستند که می‌خواهند در منطقه عربی و در مرکزیت خلیج عقبه یک بازار بزرگ اقتصادی به وجود آورند که به وضع فلاکت‌راش کشورهای فقیر هم‌پیمان آمریکا خاتمه داده و ثبات سیاسی و امنیتی این منطقه که در دهه‌های اخیر متزلزل شده است را برگرداند. در این طرح مصر، اردن، عربستان، فلسطینی‌ها و اسرائیل وضع جدید اقتصادی، امنیتی و سیاسی پیدا می‌کنند و همه از «سودی بسیار بزرگ» در این زمینه‌ها برخوردار می‌شوند مثلاً در چشم‌انداز این طرح برای مصر سالانه دست کم ۱۰۰ میلیارد دلار، برای اردن سالانه ۴۰ میلیارد دلار و برای فلسطینی‌ها سالانه ۲۰ میلیارد دلار سود مصری‌ها ترسیم شده است و حال آنکه همین الان برای رفع مشکلات اولیه به هفت، هشت میلیارد دلار نیاز است و اردنی‌ها به دریافت یک دو میلیارد دلار قانع هستند و خرج فلسطینی‌ها هم به دو، سه میلیارد در سال نمی‌رسد. بر این اساس آمریکایی‌ها امید دارند با ترسیم چنین درآمد مستمری، کشورهای منطقه به وضع جدیدی تن بدهند. آمریکا در این میان از سرمایه‌گذاری دو هزار میلیارد دلاری سخن می‌گوید و عربستان و قطر را منبع تأمین این سرمایه‌گذاری به حساب می‌آورد.

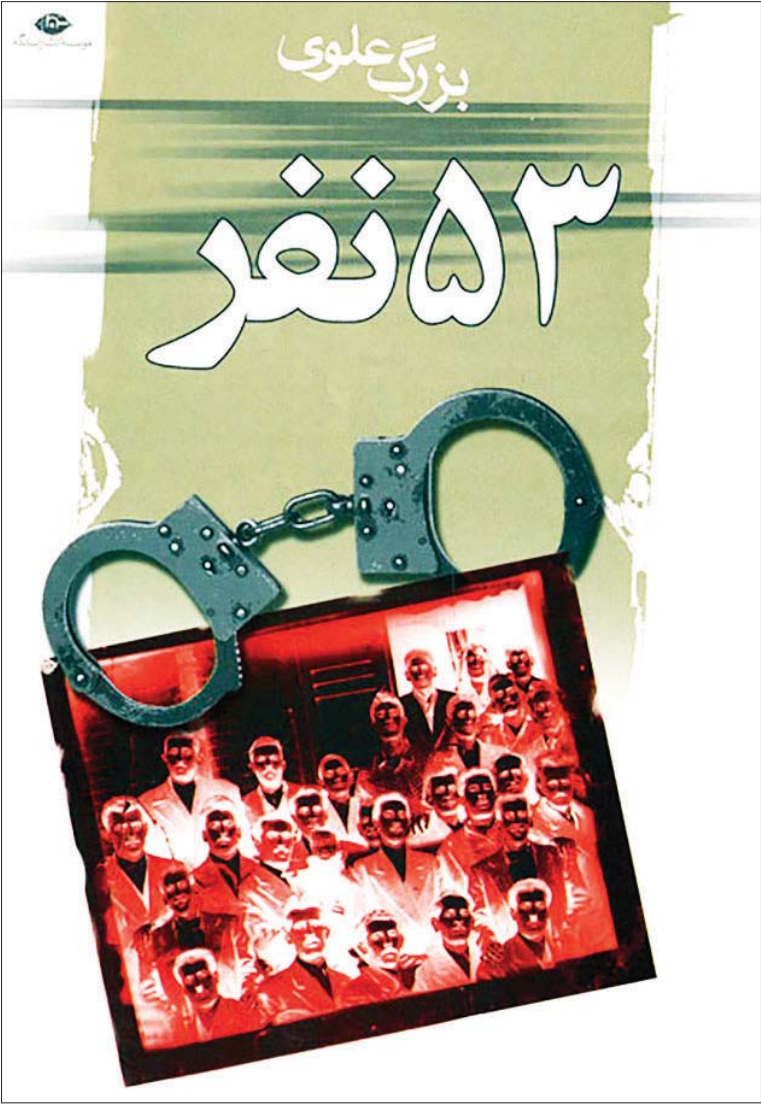
جمهوری اسلامی

مرثیه‌ای برای اخلاق

● **مسیح مهاجری:** مطالبی که در روزهای اخیر به دلیل انتشار نامه رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به حضرت آیت‌الله شبیری‌نژادنی در رسانه‌ها مشاهده می‌شود، که حجم بالا و کم‌سابقه‌ای از عکس‌العمل‌ها را نشان می‌دهد، تأکیدی است بر ضرورت توجه عمیق متولیان حوزه‌های علمیه و در رأس آنها حوزه علمیه قم به اخلاق، که نامه، پیام‌ها و بیانیه‌هایی به این مناسبت منتشر شده‌اند، انواع برخوردها را می‌توان دید. رعایت اخلاق، در بعضی از عکس‌العمل‌ها مشهود است کم‌اینکه بعضی از آنها در عین حال که درصدد تذکر اخلاقی به نویسنده نامه برآمده‌اند خودشان ادبیاتی را به کار گرفته که اخلاق در آن رعایت نشده است. بگذریم از افرادی که اصول نگارش و انتشار این نامه را امری طبیعی و حتی لازم تلقی کرده و درصدد توجیه آن برآمده‌اند، اقدامی که با هیچ معیاری منطق نیست. همچنین بگذریم از کسانی که از فرصت پیش‌آمده درصدد استفاده سیاسی به نفع خود و گروه و جناح خود برآمده‌اند که این نیز دور از اخلاق است. آنچه بیش از همه مایه نگرانی است، گم‌شدن اخلاق در حوزه‌های علمیه است. متأسفانه عده‌ای در حوزه به بهانه انجام اقدامات انقلابی، معیارهای اخلاقی را زیر پا می‌گذارند و هر کاری که می‌خواهند انجام می‌دهند و هرچه می‌خواهند می‌گویند. ما که در جامعه و در میان مردم هستیم، به روشنی می‌بینیم و سوگمندانه می‌شنویم که عموم مردم از این قبیل رفتارها که به نام روحانیت و حوزه صورت می‌گیرد نگران و ناراضی هستند. مردم از انقلاب، اخلاق و آداب اسلامی و انسانی و حفظ حرمت‌ها را انتظار دارند به‌ویژه از روحانیت و حوزه علمیه قم.

politics@sharghdaily.ir

سیاست



فردا ۸۰ سال از دادگاه ۵۳ نفر می‌گذرد

محاكمه تفكر

به قانون منع تبلیغ مرام اشتراکی، ۱۱ آبان سال ۱۳۱۷ محاکمه شدند و در کفرخواستشان اتهام عضویت در سازمانی کمونیستی آمده بود. در ادامه کفرخواست، درباره اغلبشان به تبلیغ ایدئولوژی‌ای اشاره شده بود «کمونیستی»، «سوسیالیستی»، «ماتریالیستی» و حتی «ملحدانه». چند نفر نیز به ارتباط با کمونیست‌های در تبعید، سازماندهی اعتصابات دانشجویی در تهران و توطئه‌چینی برای ایجاد اخلاخ در کارخانه‌های نساجی اصفهان متهم شدند. چند نفر از متهمان پذیرفتند که به مارکسیسم علاقه دارند و بسیاری از آنها اعتراف کردند سوسیالیست‌اند، اما هیچ‌کدام زیر بار اتهام کمونیست‌بودن نرفتند. ارانی در بخشی از دفاعیه خود استدلال آورد که نمی‌شود سوسیالیسم و کمونیسم را ممنوع کرد، چون بخشی از تمدن غرب‌اند و ایران هم چاره‌ای ندارد جز اینکه خودش را غربی کند. هیچ حرفی از قضیه اشتراک پیش کشیده نشد. ماجرا از این قرار بود که محمود بقراطی و علی صادق‌پور، دو نفری که اقصاء در حلقه ارانی هم رفت‌وآمد داشتند، برای تحصیل در «دانشگاه کمونیستی شرق» به مسکو رفته بودند. این دانشگاه که برای تربیت نیروهای خارجی آماده شده بود، پس از مدتی منحل شد و دو دانشجوی یادشده قصد داشتند به ایران برگردند. «محمد شورشیان» که وظیفه نقل‌وانتقال آنها را بر عهده داشت، در باکو با دانشجویان همراه شد. او سه دست لباس نظامی شوروی را با این استدلال تهیه کرده بود که بتوانند با پوشیدن آنها تا مرز پیش بروند؛ ولی به دلیل اینکه پس از عبور از مرز هم لباس‌ها را همچنان به تن داشتند، ژاندارم‌های یک روستا آن سه را دستگیر کرده و در اتاقی زندانی می‌کنند. آنها موفق می‌شوند با برپه‌گذاشتن کمونیسم گرایش پیدا کرد. نتیجه اعترافات نه‌چندان واقعی کامبخش باعث شد که اداره تأمینات رضاشاهی پرونده‌ای قطور برای ۵۳ نفر دست‌وپا کند. کامبخش هم در بازجویی‌ها و هم بعدها در زندان آن چنان علیه ارانی سم‌پاشی کرده بود که تقریباً همه ۵۳ نفر متقاعد شده بودند عامل دستگیری و لورقتن آنها تقی ارانی بوده است.

دکتر تقی ارانی ۱۶ ماه بعد از محاکمه در زندان مُرد، یارانش مسئولان زندان را مقصر مرگ او دانستند؛ مسئولانی که نگذاشته بودند او تحت معالجات پزشکی لازم و کافی قرار بگیرد؛ اما مقام‌های حکومتی ادعا می‌کردند که او عنوان کرد: «در مراسم اربعین امسال مشکلی کمتر از ۲۴ ساعت در حوزه ارز ایجاد شد. حدود یک هواپیمای اختصاصی از کارکنان بانک به نجف و کربلا رفتند حدود ۶۰، ۵۰ نفر به شلمچه و ۴۰ نفر به چزابه رفتند؛ از سوی دیگر نزدیک به ۷۰ نفر به مهران رفتند. من پنجشنبه گذشته دیدم که صف به آن معنا نیست و کسی که از مرز خروج می‌کند بلافاصله پولش را دریافت می‌کند».

رئیس دفتر رئیس‌جمهور گفت: «من قبول دارم که روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه مشکلاتی ایجاد شد، ولی اینکه این همه فعالیت‌های هنری به کارگردانی محمد شورشیان»، آتجا بود که شورشیان دستگیر می‌شود. او در ۱۳ برگ اعتراف‌نامه همه کسانی را که می‌شناخت، معرفی می‌کند. ارانی،

رئیس دفتر رئیس‌جمهوری:

نباید مشکلات ایجادشده در اربعین را سیاسی کرد

می‌شود». او عنوان کرد: «در مراسم اربعین امسال مشکلی کمتر از ۲۴ ساعت در حوزه ارز ایجاد شد. حدود یک هواپیمای اختصاصی از کارکنان بانک به نجف و کربلا رفتند حدود ۶۰، ۵۰ نفر به شلمچه و ۴۰ نفر به چزابه رفتند؛ از سوی دیگر نزدیک به ۷۰ نفر به مهران رفتند. من پنجشنبه گذشته دیدم که صف به آن معنا نیست و کسی که از مرز خروج می‌کند بلافاصله پولش را دریافت می‌کند».

رئیس دفتر رئیس‌جمهور گفت: «من قبول دارم که روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه مشکلاتی ایجاد شد، ولی اینکه این همه فعالیت‌های گسترده و کارهایی که انجام داده‌اند نادیده گرفته شود و روی مشکلی که در ۳۰ تا ۴۰ ساعت اعلام شد، تبلیغ کنند، جای تامل دارد».

او افزود: «سال گذشته هیچ ارزی به هیچ جایی اختصاص داده نشد؛ امسال هماهنگ کردیم، تلاش کردیم و علاقه‌مند بودیم با بانک عراق همکاری داشته باشیم تا دینارهای عراقی را به ایران بیاوریم. اول گفتند ببینیم آیا می‌شود بعد روزهای آخر اعلام کردند

کردند او بر اثر حبسه‌ای یکباره و علاج‌ناپذیر مُرده است. هرچند اسناد بعدی نشان داد که او به دنبال ابتلا به تیفوس و معالجه‌نشدن جان باخته است. تعداد کمی همان زمان آزاد شدند؛ اما تعداد زیادی حکم‌های چندساله گرفتند؛ از سه تا هفت سال. در دوران حبس همه همدمگر را به خیانت متهم می‌کنند. کامبخش که بلافاصله پس از او دستگیری گسترده‌ای اتفاق افتاد، بیشتر از همه در معرض اتهام بود. مدتی پیش از برگزاری دادگاه متن اعتراضات گروه ۵۳ نفر را برای تمام اعضای گروه قرائت می‌کنند. در اینجا مشخص می‌شود که «شورشیان» پنج، شش نفر و کامبخش بقیه را الو داده‌اند؛ درحالی‌که ارانی بیشتر از بقیه مقاومت نشان داده است. انور خامه‌ای یکی از ۵۳ نفر است که ماجرای دستگیری و حوادث زندان را به تفصیل ذکر کرده و می‌نویسد: در یک تشکیلات مخفی رابطه‌ها باید مخفیانه باشند؛ درحالی‌که در ۵۳ نفر همه همدمگر را می‌شناخیم. مثلاً من خودم ۲۷ نفر را دقیقاً می‌شناختم و کسی مثل شورشیان که کارهای قاجاقی آدم در مرز شوری بود، شش نفر از اعضای شوروی مرکزی را می‌شناخت». سرانجام از میان گروه ۵۳ نفر پنج نفرشان آزاد شدند. سه نفر به تبعید، ۱۰ نفر به حبس‌های دو تا چهار سال، هفت نفر به پنج سال، هشت نفر به شش تا هشت سال و ۱۰ نفر به حبس ۱۰ سال محکوم شدند. یک روایت می‌گوید ۲۸ شهریور ۱۳۲۰ اسکندری، رادمشن و یزدی که سه‌چهارم زندان خود را گذرانده بودند و چند ماه بعد انور خامه‌ای و تعدادی دیگر آزاد شدند و کمتر از یک سال بعد لایحه‌ای تصویب شد که براساس‌آن همه کسانی که به استناد قانون علیه سلطنت اقدام کرده‌اند، اساساً بی‌گناه بوده و اساس محکومیت آنان منتفی است. به‌این‌صورت بقیه ۵۳ نفر باقی‌مانده هم آزاد شدند. روایت دیگری هم می‌گوید روز ۲۷ شهریور ۱۳۲۰، فقط دو روز بعد از استعفای رضاشاه، ۲۷ نفر از «۵۳ نفر» آزاد شدند. جمعی از این آزادشدگان جزء بنیان‌گذاران بعدی حزب توده شدند. ۱۸ نفر از آنها نیز هیچ آینده سیاسی مشخصی پیدا نکرده و محو شدند.

ازجمله دستگیرشدگانی که بعداً جزء بنیان‌گذاران حزب توده شدند، عبدالصمد کامبخش بود. کامبخش در آبان ۱۳۲۰ پس از آزادی از زندان، گزارشی درباره ارزیابی امکانات بهره‌برداری از توانایی‌های فردی اعضای ۵۳ نفر به سود کمونیسم روسی نوشت و توسط پ.م فتین، مشاور امور امنیتی ژوزف استالین، رهبر وقت شوروی، برای بین‌الملل کمونیست ارسال کرد. خسرو شاکری، پژوهشگر تاریخ چیچ، می‌نویسد: «گزارش کامبخش به نحوی تنظیم شده بود که نویسنده تنها به نزد قاضی برسد و هیچ‌یک از ۵۲ نفر دیگر امکان رد تحریف‌های او را در آن زمان نداشتند و سران حزب توده نیز در اظهارات علنی خود هرگز به آن که در برخی محافل درونی خویش پشت «خیات» به کامبخش نسبت می‌دادند، اشاره‌ای نمی‌بردند. گویی دستگیری، محاکمه و مجازات گروه و قتل ارانی در زندان مانند یک تصادف عادی رخ داده بود. البته در آغاز تأسیس حزب توده، نزدیکان ارانی مانند ایرج اسکندری، تزار علوی، دکتر محمد بهرامی و برخی دیگر نخست کابینه عضویت کامبخش در حزب را رد کردند؛ اما کوتاه‌مدتی پس از آن بر اثر توصیه یا فشار مشاور کنسولی سفارت شوروی، علی‌علی‌اف (مسئول وقت ک.ا.گ.ب در ایران) او را به عضویت پذیرفتند».

شاکری می‌نویسد: «کامبخش در گزارش مفصل خود برخوردی دوگانه دارد؛ به‌ویژه درباره تقی ارانی که از یک طرف او را «ضد کمونیست»ی معرفی می‌کند که در زندان «فته‌انگیزی» می‌کرد و از طرف دیگر پیشنهاد می‌کند که نام او را به‌عنوان فردی که زندگی‌اش را در راه انقلاب کبیر از دست داده، به پرچمی برای توسعه کمونیسم روسی در ایران تبدیل کنند؛ او در گزارش خود تعابیر جالبی درباره اعضای گروه به کار می‌برد؛ مثلاً آنجا که به نام ایرج اسکندری عضو برجسته سال‌های بعد حزب توده ایران می‌رسد، از او با عنوان «چهره‌ای شهرت‌پرست» یاد می‌کند، احسان طبری را «کم‌اراده» و «ناپایدار» می‌داند. بزرگ علوی را «ترسو» می‌خواند، نصرت‌الله جهانشاهلو را «دارای گرایش‌های فاشیستی» معرفی می‌کند و از خلیل ملکی به‌عنوان فردی «عصبی» نام می‌برد. «کمونیست‌نودن» مرتضی یزدی، «سادگی» انور خامه‌ای، «شرافتمندی» نورالدین الموتی و «به‌دردیخور» بودن رضا رادمشن هم از دیگر مسائلی است که در گزارش کامبخش به رفقای روس دیده می‌شود».

یادداشت

اصلاح‌طلبان در سراسیابی مقبولیت مردمی

محمدعلی مشفق

● اگر اصلاح‌طلبان همچنان مراقب آبرو و موقعیت و جایگاه خود در میان مردم نباشند و در حوزه اصلاح و اصلاح‌طلبی برخوردار از یک برنامه منسجم که ناظر بر اصلاح تدریجی کاستی‌ها همراه با شناخت موانع تحقق خواست‌ها و مطالبات ملت و رفع کاستی‌ها در یک پروسه تدریجی نباشند و در قالب یک برنامه شفاف و عملیاتی در عمل به آن مبادرت نوزند، طبیعی است که ملت باید کماکان شاهد این همه نابسامانی و ناکارآمدی مزمن توسط دولت و سایرین باشد. بنابراین صرف اینکه اصلاح‌طلبان پرچمدار اصلاحات باشند و برنامه‌ای برای حرکت‌های اصلاحی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و نوع اصلاحات موردنیاز کشور نداشته باشند، البته که راه به جایی نبرده و در آینده هم نخواهند برد. چراکه اصلاح‌طلبان باید تا امروز نشان می‌دادند که مشکلات و معضلات اصلی کشور را چه مؤلفه‌هایی دربر می‌گیرد و به ترتیب اهمیت و اولویت، کدامیک از این مؤلفه‌ها و معضلات پیش‌روی کشور در اولویت برنامه‌های اصلاحی آنان قرار دارد. پرسشی که مطرح است این است که چرا اصلاح‌طلبان در چهار دهه گذشته، حامیان و هواداران پرتعداد خود را در میانه انتخاب بین بد و بدتر متوقف کرده و عملاً درجا می‌زنند؟ پرسش دیگر اینکه آیا اصلاح‌طلبان تاکنون به گزینه‌های دیگری مثل انتخاب بین خوب و خوب‌تر هم اندیشیده‌اند؟ پرسش سوم اینکه چرا با اتخاذ سیاست‌های دنباله‌روانه اصلاح‌طلبان کماکان در میدان‌های ضد اصلاح و اصلاح‌طلبی با رقیبان خضم اصلاحات رقابت کرده و با این کنش سیاسی، مسیر حرکت‌های اصلاحی را تنگ و تنگتر می‌کنند و با دست خود هر نوع روزنه اصلاح و اصلاح‌طلبی را یکی پس از دیگری اعم از خرد و کلان آن مسدود می‌کنند؟ بدون شک ادعای خواهید کرد که با ادامه سیاست‌های دنباله‌روانه موردنظر مخالفان اصلاحات که دست اصلاح‌طلبان را در انجام هر نوع حرکت اصلاحی حتی در سطوح خرد بسته و می‌بندد، طبیعی است که اصلاح‌طلبان به همان میزان که خود را به جریان راست ملیس به لباس و اسلحه و دولت غیرمتعقد به اندیشه اصلاح‌طلبی و بی‌توجه به خواست و مطالبات غالب مردم و عمل‌نکردن به قول‌های انتخاباتی نزدیک کند، به همان میزان هویت اصلاح‌طلبانه خود را از دست خواهد داد و البته که در عمل هم نخواهند توانست به هیچ نوع اصلاحی حتی در سطح خرد مبادرت کنند و بنابراین از اصلاحات و اصلاح‌طلبان چیزی باقی نخواهد ماند. اصلاحات نیازمند مردان مصلح اهل پرداخت هزینه و خطر و ریسک و مجاهدت در این راه صعب و دشوار است.

خبر

حاضری: رأی مخفی سازوکاری برای وفاداری فرد به دیدگاه حقیقی‌اش است

● **ایلنا:** یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: رای مخفی سازوکاری برای وفاداری فرد به دیدگاه حقیقی خودش بوده و نه شرایط بیرونی که ممکن است بر فرد تحمیل شود. علی‌محمد حاضری با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری درباره شفافیت گفت: اعتماد عمومی شرط لازم حسن رابطه مردم با مردم و مردم با حاکمیت است. این موضوع ایجاب می‌کند که مردم به وعده‌ها و تصمیمات دولت آن چنان که اعلام می‌شود، اعتماد داشته باشند. این استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت‌مدرس ادامه داد: به‌ویژه در شرایط بحران‌های فعلی کشور هرگونه تصمیم‌گیری که در آن جامعه به نظام تصمیم‌گیر خود و تصمیم‌گیرندگان اعتماد نداشته باشد، به نتیجه مناسبی نخواهد رسید و شاید حتی نتیجه عکس داشته باشد. او ادامه داد: به‌همین‌خاطر لازم است که دولت به گونه‌ای رفتار کند که مردم به نظام تصمیم‌گیری و وعده‌هایی که داده می‌شود، اعتماد کنند که متأسفانه این موضوع در شرایط فعلی به‌شدت آسیب دیده است.

تصحیح و پوزش

● در مطلب روز گذشته صفحه شش که مرتبط با حوزه دیپلماسی بود، در عنوان دو گروه تئورستی اشتباه رخ داده بود که ضمن پوزش از مخاطبان گرامی، بدین وسیله اصلاح می‌شود: «اسفند ۸۸ بود که عبدالملک ریگی، رهبر گروه تئورستی جندالله بعد از یک همکاری مشترک اطلاعاتی بین ایران و پاکستان دستگیر شد....». علی بهمنش، کارشناس اصلی پرونده عبدالملک ریگی، در نشست خبری هم‌زمان با سالگرد دستگیری ریگی گفته بود «گروه‌هایی چون جیش‌العدل بازماندگان همان گروه هستند که در حال برخورد با آنها نیز هستیم». در مصاحبه ابراهیم رحیم‌پور، معاون سابق آسیایی وزارت امور خارجه نیز این جمله به اشتباه منتشر شده بود «ارتش و نظامی‌های پاکستان را نیز عربستان آموزش می‌دهد» که بدین شکل اصلاح می‌شود «پاکستان، نظامی‌های عربستان را آموزش می‌دهد».